مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال هشتم)
شماره ۲۷ / بهار ۱۴۰۱ / ص ۱۰-۱

اثربخشی آموزش سبک های فرزند پروری بر میزان خود مشاهده گری مادران در منطقه ۱۰ شهر تهران

ریحانه نوروزی[۱]، مژگان مردانی راد[۲]

[۱] کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه آزاداسلامی واحد تهران مرکزی- ایران

[۲] استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی- ایران

نام نویسنده مسئول:
ریحانه نوروزی

چکیده

هدف پژوهش، اثربخشی آموزش سبک های فرزندپروری بر خودمشاهده گری مادران می باشد. روش تحقیق در این پژوهش: روش آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است . جامعه آماری : شامل ۶۰ نفر از مادران مراجعه کننده به فرهنگسرای قرآن منطقه ۱۰ تهران می باشند. نمونه: ۳۰ نفر از بین مادران مراجعه کننده بود که از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارجمع آوری اطلاعات : پرسشنامه های سبک فرزندپروری بامریند، خودارزشیابی مرکزی جاج و همکاران، که برای تجزیه و تحلیل از آزمون شاپیرو ویلک (جهت بررسی نرمال بودن داده ها) و از آزمون کوواریانس استفاده گردیده است. نتایج نشان می دهد که آموزش سبک های فرزندپروری برمیزان خودمشاهده گری مادران تأثیر معناداری دارد.

.**کلید واژه ها** : سبک های فرزندپروری- خودمشاهده گری- مادران

مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

فرزندپروری فعالیت پیچیده ای شامل روش ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان شان است. البته باید توجه داشت که در این تعریف روش های بهنجار فرزندپروری مورد نظر است. بامریند، روش های فرزندپروری را بر اساس تفاوت های آن در کنترل فرزندان، متمایز کرده است. اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می رسد که همه ی والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان، نقش اولیه را بر عهده دارند. تحقیقات معاصر در شیوه های فرزندپروری، از مطالعات بامریند روی کودکان و خانواده های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه های فرزندپروری بر روی یک رویکرد شیب شناسی بنا شده است. که بر روی ترکیب فرزندپروری متفاوت، متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر فرزندپروری(مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست های بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخ های کودک به تأثیر والدین ایجاد می کند (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳) .

بامریند (۱۹۹۱) چهار شیوه فرزندپروری را نام می برد که عبارتند از :۱- مقتدرانه : در این شیوه تربیتی، محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان، زیاد است.۲- مستبدانه : والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و هم چنین برفرزندان خود کنترل بسیاری به کار می- گیرند.۳- آسان گیرانه : والدین آسان گیر نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبت نسبت به آن ها زیاد است و مهرورزی خط وسط الگوی موجود را به خود اختصاص می دهد.۴- مسامحه کارانه : در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین سطح قرار دارد. هدف در فرزندپروری در چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، آسان گیرانه و مسامحه کارانه برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است. ،

سبک های فرزندپروری از جمله مفاهیمی است که مطرح کننده روش ها و فنون برخورد والدین با فرزندان در خانواده می باشد. دارلینگ و استرنبرگ (۱۹۹۳) ،(به نقل از حیدری خواه،۱۳۹۰) سبک های فرزندپروری را منظومه ای از نگرش ها، نحوه برقراری ارتباط و روش نگهداری فرزند و همچنین جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین تعریف می کنند. سبک های فرزندپروری از سه جنبه مورد بررسی قرار گرفته اند: اهداف مربوط به جامعه پذیری، عملکرد والدین در کسب اهداف از سوی فرزندان و جو عاطفی حاکم بر خانواده. منظور از اهداف، نتایج و غایت- هایی است که والدین در جریان جامعه پذیری فرزندان خود در پی آن هستند. مقصود از عملکرد والدین نیز مجموعه کنش های پدر و مادر، در نهایت منظور از جو عاطفی، مجموعه روابط عاطفی، دلبستگی ها و انسجام میان اعضای دیگر خانواده می باشد (استرنبرگ، ۲۰۰۱) . نوع سبک فرزندپروری که والدین از خود نشان می دهند بر رشد کودک تأثیر بسیاری می- گذارد (بورن استین و زلوتنیک ، ۲۰۰۸) . پژوهش های مربوط به ارتباط والدین با کودک، که نگرش ها و اعمال والدین را در فرایند فرزندپروری مورد بررسی قرار داده اند، تحت تأثیر کارهای بامریند و بوری (۱۹۹۱) قرار دارد که به طور کلی سه الگوی حاکم بر روابط والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع، سهل گیر و مستبد.

بنابراین هر خانواده شیوه خاصی در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد. این شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می شود متأثر از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و . . . است. شیوه های فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه ای از رفتارها که تعاملات والد- کودک را در طول دامنه ی گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند، تعریف شده است. که این شیوه ها یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می آورد (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳) .

به همین خاطر در اینجا از مهارت خود مشاهده گری (خودارزشیابی مرکزی) که در این راستا می‌تواند به والدین کمک نماید، یاد می‌کنیم.

خود مشاهده گری عبارت است از آگاهی و دقت در حالات، افکار و احساسات خود،که به واسطه آن می‌توان بسیاری از عادات و رفتارهای نامطلوب را در خود کنترل و یا حذف نمود. منبع خود مشاهده گری با به کارگیری سیستم خودتنظیمی می‌تواند بسیاری از افکار، عواطف و در کل شناخت ما را تحت کنترل درآورد (ولز،۲۰۰۱) .

خود ارزشیابی های مرکزی از لحاظ معنایی به خودمشاهده گری نزدیکتر است، خود ارزشیابی مرکزی یک مدل کلی و یکپارچه از صفات شخصیتی است که در سال۱۹۹۷ توسط جوج، لوکی و دورهام معرفی گردید. خودارزشیابی های مرکزی شامل ارزشیابی های اساسی هستند که افراد درباره خودشان، جهان و دیگران دارند (دورمن، فای، زاپف و فریسی ۲۰۰۶) . خودارزشیابی‌های مرکزی عقاید شخص درباره توانمندی- ها (کنترل زندگی) و کفایت هایش (عملکرد، فرایند مقابله، موفقیت) را در بر می گیرند (بنو و جوج، ۲۰۰۳) . جوج و همکاران (۱۹۹۷) به منظور طراحی مدل خودارزشیابی های مرکزی، از چهار صفت خاص شامل؛ عزت نفس، کانون کنترل، روان نژندگرایی و خودکارآمدی کلی استفاده نمودند.

آیا آموزش سبک‌های فرزندپروری بر میزان خود مشاهده گری مادران، تأثیر دارد؟

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

نتایج تحقیقات تأیید کننده اهمیت رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای فرزندان در زندگی حال و آینده‌شان است. تیلور و همکاران ۲۰۰۴ ؛ گیومند و ۲۰۰۶ و هاور و همکاران ۲۰۰۷).از جمله این تحقیقات، بوگارت (۲۰۰۹) به بررسی رابطه درک دانشجویان از سبک دلبستگی با سبک‌های فرزندپروری والدین پرداخته است. نتایج این تحقیق اهمیت سبک فرزندپروری و نفوذ والدین را بر دلبستگی دوران بزرگسالی نشان می‌دهد. در واقع مهارت پدر و مادر می‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای بر سلامت روانی و رفاه کودکان بگذارد، از این رو بهبود مهارت‌های فرزندپروری به سلامت روانی، عاطفی و اجتماعی فرزندان منجر می‌شود (بوگارت، ۲۰۰۹) . انسان ها (کودکان) در بَدو تولد مانند کاغذ سفیدی هستند که هنوز چیزی بر روی آن نوشته نشده است (راموز، ۱۹۷۶: ۱۱۹) هر آنچه که ما بر روی آن ها بنویسیم، در آینده همان را خواهیم خواند. به عبارت دیگر، شخصیت اجتماعی و فرهنگیِ فرزندان توسط خانواده، مدرسه، رسانه ها و محیط های اجتماعی دیگر ساخته می شود. یعنی، قاعدتا شکل، فرم و محتویِ هر کدام از این منابع، نسبتا مشابه شکل، فرم و محتویِ شخصیتِ روانی، اجتماعی و هویت فرهنگی جوانان خواهد بود. در مواقعی که خانواده بتواند با روابط آموزشی صحیح، فرزند را به سمت خود جذب کند، تأثیر نیروهای دیگر حتی در صورتی که مخالف با فرهنگ رایج خانواده باشند، به حداقل خواهد رسید و در صورت موافقت نیز تشدید خواهد شد. در صورتیکه خانواده با روابط ناصحیح خود نقش دافعه را نسبت به فرزند داشته باشد، طبیعتا، منابعِ دیگر که رابطه ای بهتر و آموزشی تر از خانواده ایجاد کنند، می توانند بر روی چگونگی شخصیتِ روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندان اثر بسزایی داشته باشند. از منظری دیگر، در صورتی که رابطهٔ خانواده، رابطه ای بر اساس دموکراسی و آزادی باشد، اولا، فرزند بیشتر به سمت خانواده تمایل نشان خواهد داد، ثانیا، جنبهٔ اجتماعی شدن او بیشتر تقویت شده و وی نقش فعال تری را در جامعه ایفا می کند. در غیر اینصورت غالبا دیده شده که فرد منزوی بوده و با محیط اطراف خود منفعلانه بر خورد خواهد کرد. این منابع بطور یکسان عمل نکرده و تأثیر یکسانی بر روی افراد جامعه ندارند. در بعضی از افراد، خانواده و در افراد دیگر، مدرسه و در تعدادی دیگر، ممکن است رسانه ها بیشترین تأثیر را داشته باشند. اما، همانطوری که تحقیقات نشان می دهند، بیشترین تأثیر در روند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری انسان، در نتیجه، شخصیت روانی و فرهنگی او تا قبل از ۶ سال پایه ریزی می شود و این زمان را انسان بیشتر در خانواده می- گذراند. (دادسون،۱۹۷۲) .

۱-۳. پیشینه

در تحقیق توزنده جانی، حسن و همکاران(۱۳۹۰). یافته ها مبنی بر این است که شیوه فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه سهل گیرانه و مستبدانه بر افزایش خودکارآمدی تأثیر معنی داری داشته است. و همچنین در تحقیق یوسف زاده، ایمان و همکاران(۱۳۹۳)، یافته ها مبنی بر این است که شیوه های فرزندپروری مقتدرانه مادران با خودکارآمدی فرزندان معنادار است. این پژوهش قصد دارد به این سؤال که آیا آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان خودمشاهده گری مادران تأثیردارد، پاسخ دهد.

۱-۴. اهداف پژوهش

هدف کلی: تعیین اثربخشی آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان خودمشاهده گری مادران در منطقه ۱۰ شهر تهران

هدف ویژه (جزئی): تعیین اثربخشی آموزش سبک های فرزندپروری بر ابعاد خودمشاهده گری (عزت نفس، کانون کنترل، روان نژندگرایی و خودکارآمدی) مادران

۱-۴-۱. فرضیه های پژوهش :

فرضیه اصلی: آموزش سبک های فرزندپروری بر میزان خودمشاهده گری مادران، تأثیر دارد.

فرضیه فرعی: آموزش سبک های فرزندپروری بر ابعاد خودمشاهده گری (عزت نفس، کانون کنترل، روان نژندگرایی و خودکارآمدی) مادران، تأثیر دارد.

۱–۵. روش تحقیق

این پژوهش از نوع روش آزمایشی با طرح "پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل است .جامعه آماری مادران ساکن در منطقه ۱۰ شهرداری تهران» می باشد که در سال ۱۳۹۸ در این منطقه از تهران ساکن بوده و در برنامه های فرهنگسرای قرآن این منطقه شرکت می نمایند. نمونه آماری در این پژوهش تعداد ۶۰ نفر از مادران فرهنگسرای قرآن هستند که ۳۰ نفر از آن ها برای شرکت در دوره سبک های فرزندپروری اعلام آمادگی نمودند. و بصورت دسترس می باشد.(یعنی حجم نمونه ۳۰ نفر می باشد) که تعداد ۱۵ نفر از این افراد به عنوان گروه کنترل و تعداد ۱۵ نفر مابقی به عنوان گروه آزمایش در نظر گرفته شد.(لازم به ذکر است از ۱۵ نفری که به عنوان گروه کنترل و همچنین از ۱۵ نفری که به عنوان گروه آزمایش بودند ، قبل و بعد از برگزاری کارگاه، آزمون گرفته شد).در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است. (این دوره در بازه زمانی اسفند ۹۷ الی خرداد ۹۸ برگزار شد) گروه کنترل چه در مرحله پیش آزمون و چه در مرحله پس آزمون تحت مداخله متغیر مستقل قرار نمی گیرد و گروه آزمایش تحت مداخله متغیر مستقل (در این پژوهش دوره آموزش سبک های فرزندپروری) قرار می گیرد و سپس نتایج پرسشنامه های بعمل آمده از دو گروه مقایسه و نتایج با استفاده از آزمون آماری کوواریانس که یک آزمون مقایسه ای در طرح "پیش آزمون – پس آزمون با گروه کنترل"می باشد، تبیین می گردد. همچنین در این پژوهش به ملاک ها ی ورود و خروج و شرایط اخلاقی در درمان و همچنین روش استفاده شده جهت آموزش سبک های فرزندپروری پرداخته شده است: ملاک های ورود : ۱- مادران دارای فرزند زیر ۱۲ سال ۲- دارای حداقل سواد خواندن و نوشتن ، ملاک های خروج : عدم وجود ملاک خروج از تحقیق. شرایط اخلاقی: ۱- پژوهشگر نسبت به رعایت اصول اخلاقی توسط همکاران، دستیاران، دانشجویان و کارمندان نیز مسئول است.۲- پژوهشگر نسبت به ارزشیابی مطالعه اش در پیروی از اصول اخلاقی مسئولیت دارد.۳- پژوهشگر باید به آزادی افراد برای مشارکت در پژوهش یا کناره گیری از آن در هر زمان احترام بگذارد.۴- پژوهشگر موظف است آزمودنی ها را در تحقیق نسبت به مسئولیت هایشان آگاه ساخته و تمام جوانب را که در آزمودنی ها اثر می گذارد دقیقاً روشن نموده و سؤالات آن ها را به روشنی پاسخ دهد. ۵- اطلاعاتی که در ضمن اجرای تحقیق از شرکت کنندگان جمع آوری می شود، بایستی محرمانه بماند.

جدول شماره (۱) : پروتکل جلسات آموزش-روش لین کلارک[۱] (۱۹۳۸)

	هدف
جلسه اول	۱- آشنایی و معرفی (اعضا)، 2- پرداختن به اهمیت تعلیم وتربیت و تعریف آن ، ۳- اجرای پیش آزمون
جلسه دوم	۱- تعریف فرزندپروری ۲- معرفی سبک های فرزندپروری و خصوصیات هر سبک
جلسه سوم	۱- معرفی قواعد اساسی برای فرزندپروری موثر ۲- چگونگی استفاده از قوانین تقویت
جلسه چهارم	۱- معرفی اشتباهات شایع والدین ۲- روش های تنبیه مناسب، آشنایی با برخی ناسازگاری ها و مشکلات رایج کودکان و نحوه مواجهه ی مناسب با آن ها
جلسه پنجم	آشنایی با ویژگی ها و شرایط رشدی کودکان و تاثیر منفی جملات انتقادی و مأیوس کننده
جلسه ششم	۱- مقایسه سبک های فرزندپروی با هم و کشف بهترین شیوه ۲- نتیجه گیری ۳- اجرای پس آزمون

[۱] Lynn Clark

۱-۵-۱. ابزارهای پژوهش :

پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند

پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزندپروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه شده است.این پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. جمله های شماره ۲۸،۲۴،۲۱، ۱۹،۱۷،۱۴،۱۳،۱۰،۶،۱ به شیوه ی سهل گیرانه و جمله های شماره ۲۹،۲،۳،۷،۹،۱۲،۱۶،۱،۲۵،۲۶ به شیوه ی استبدادی و جمله های شماره ۲۰،۲۲،۲۳،۲۷،۳۰، ۴،۵،۸،۱۱،۱۵، به شیوه ی قاطع و اطمینان بخش مربوط می باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملا موافقم، تاحدودی موافقم ، تاحدوی مخالفم ، مخالفم ،کاملا مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است. بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل-گیری(r=0/38) و اقتدار منطقی (r=0/48)دارد. و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی نداشت (r=0/7) (مهرافروز، ۱۳۷۸). بورای ۱۹۹۱)) برای محاسبه پایایی از روش (باز آزمایی) استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه ،۰/۸۶ برای شیوه استبدادی ،۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین (ثبات درونی) را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرافروز ،۱۳۷۸). در انستیتیو روان پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان شناسی و روان پزشکی (۲ نفر دکترای روان شناسی، یک نفر روان پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کار شناس روان شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است.

پرسشنامه خودارزشیابی مرکزی جاج و همکاران(CSES)

مقیاس خود ارزشیابی های مرکزی در سال ۲۰۰۳ به منظور عملیاتی کردن مدل خودارزشیابی های مرکزی طراحی شده و مشتمل بر ۱۲سوال می باشد. نمره گذاری مقیاس در طیف لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم صورت می گیرد و نمره ی بیشتر حکایت از خودارزشیابی-های مرکزی بالاتر دارد در این مقیاس سئوالات ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰ و ۱۲ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. (جوج، اریز، بنو و ثورسن، ۲۰۰۳) پایایی مقیاس را با استفاده از ضریب پایایی متخصصان مطلوب به دست آوردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ مقیاس از طریق اجرا بر روی چهار نمونه مجزا بین ۰،۸۰ تا ۰/۸۴ به دست آمده است. در ایران، روایی و پایایی مقیاس در پژوهش شریعتی، گروسی فرشی و باباپور، خیرالدین (۲۰۱۰) و با روش روایی صوری، ضریب آلفای کرنباخ ۰/۸۴ به دست آمده است. (شریعتی و همکاران، ۱۳۸۹).

منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است.(ساروخانی ۲۸۷:۱۳۷۳).

اعتبار (پایایی)

یک مقیاس قابل اعتماد مقیاسی است که در آن افراد در دو موقعیت زمانی مختلف امتیاز یکسانی را به دست آورند. فقدان قابلیت اعتماد در یک مقیاس، ناشی از گویه های غیر قابل اعتماد است، بنابراین لازم است هر گویه را برای قابلیت اعتماد آن بیازمائیم.

مقیاس تک بعدی مقیاسی است که در آن همه گویه ها مفهوم واحدی را اندازه گیری می کند که برای سنجش آن از تکنیک تحلیل گویه ها استفاده شده است. راه پی بردان به اینکه آیا پاسخ های مربوط به یک گویه خاص، با پاسخ -های گویه های دیگر هماهنگی دارد یا خیر، محاسبه ضریب همبستگی میان نمره افراد در آن گویه و نمره آن ها در بقیه مقیاس است. این ضریب، ضریب گویه به مقیاس نامیده می شود. (Corrected Item-Total Correlation) ضریب همبستگی از ۰ تا ۱ در تغییر است. هر چه این ضریب بالاتر باشد تعلق گویه به مقیاس بیشتر آشکار می شود، بر اساس یک قاعده سرانگشتی اگر این ضریب کمتراز ۳/۰ باشد، باید گویه مربوط بدان از مقیاس حذف شود. (دواس ،۱۳۷۶: ۳۳۱) (همبستگی های گویه به گویه) این رهیافت سنجه ای برای اندازه گیری قابلیت اعتماد کلی مقیاس فراهم می کند. شاخص آن آماره ای است که" آلفای کرونباخ " نامیده می شود. این آماره از ۰ تا ۱ تغییر می کند، براساس یک قاعده سر انگشتی، آلفا باید حداقل ۷/۰ باشد تا بتوانیم بگوییم که مقیاس دارای قابلیت اعتماد است.(همان،۳۳۲)

با توجه به اینکه ابزار این تحقیق که پرسشنامه های پیش ساخته و استاندارد می باشد و پایایی آن ها قبلا مورد آزمون قرار گرفته و تأیید شده است برای کسب پایایی قابل اعتمادتر در جامعه آماری حاضر مجدداً از آزمون آلفای کرونباخ استفاده نموده ایم که نتایج آن نشان از وضعیت مطلوب پایایی متغیرها و شاخص های آن دارد و به شرح زیر می باشد:

جدول شماره (۲) : مربوط به وضعیت پایایی متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیر	شاخص	میزان آلفا	
سبک‌های فرزندپروری	سهل‌گیرانه	۰/۷۶۵۱	۰/۷۹۶۴
	استبدادی	۰/۸۱۰۲	
	قاطعانه- مقتدرانه	۰/۷۷۴۹	
خودارزشیابی	خودارزشیابی	۰/۷۵۱۳	۰/۷۵۱۳

۱-۶. یافته های تحقیق

۱-۶-۱. یافته های توصیفی (ویژگی های جمعیت شناختی افراد مورد بررسی)

جدول شماره (۳) : توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "سن"

گروه کنترل				گروه آزمایش			
	فراوانی	درصد	درصد خالص		فراوانی	درصد	درصد خالص
زیر ۳۰ سال	4	26.7	26.7	زیر ۳۰ سال	3	20.0	20.0
۳۰ تا ۴۰ سال	8	53.3	53.3	۳۰ تا ۴۰ سال	10	66.7	66.7
بالاي ۴۰ سال	3	20.0	20.0	بالاي ۴۰ سال	2	13.3	13.3
جمع	15	100.0	100.0	جمع	15	100.0	100.0

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب مربوط به سنین ۳۴ سال و ۴۰ سال و میانه در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب ۳۴ و ۳۷ و نیز میانگین در گروه کنترل و آزمایش به ترتیب۳۴/۶۷ و ۳۵/۴۷ می باشد.

جدول شماره (۴) : توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "میزان تحصیلات"

گروه کنترل			گروه آزمایش			
	فراوانی	درصد	درصد خالص		فراوانی	درصد	درصدخالص
سیکل	2	13.3	13.3	سیکل	5	33.3	33.3
دیپلم	6	40.0	40.0	دیپلم	6	40.0	40.0
فوق دیپلم	1	6.7	6.7	فوق دیپلم	2	13.3	13.3
لیسانس	4	26.7	26.7	لیسانس	1	6.7	6.7
فوق لیسانس	1	6.7	6.7	فوق لیسانس	1	6.7	6.7
دکترا	1	6.7	6.7				
جمع	15	100.0	100.0	جمع	15	100.0	100.0

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به تحصیلات دیپلم می باشد.

جدول شماره (۵) : توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "شغل"

جدول شماره (۵) : توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب "شغل"

گروه کنترل			گروه آزمایش			
	فراوانی	درصد	درصد *خالص*		فراوانی	درصد	درصد خالص
خانه دار	12	80.0	80.0	خانه دار	10	66.7	66.7
مربی	2	13.3	13.3	مربی	4	26.7	26.7
پزشک	1	6.7	6.7	پزشک	1	6.7	6.7
جمع	15	100.0	100.0	جمع	15	100.0	100.0

مد یا بیشترین فراوانی در گروه کنترل و آزمایش مربوط به شغل خانه داری می باشد.

جدول شماره (۶) : توزیع آماره‌های مربوط به متغیر "خود ارزشیابی مرکزی"

مرحله/ گروه	میانگین	تعداد	انحراف معیار
پیش آزمون کنترل	39.07	15	5.496
پس آزمون کنترل	37.73	15	4.935
پیش آزمون آزمایش	37.47	15	4.454
پس آزمون آزمایش	42.40	15	6.695
جمع	39.17	60	5.675

جدول (۶) مربوط به آماره های متغیر "خود ارزشیابی مرکزی" می باشد، همانطور که نتایج بدست آمده نشان می دهد میانگین پس آزمون آزمایش این شاخص حدود ۳ نمره بالاتر از میانگین کل می باشد و دارای تفاوت محسوسی با نمره پیش آزمون می باشد.

۲-۶-۱.یافته های تحلیلی

جدول شماره (۷) : مربوط به مقایسه میانگین متغیر "خود ارزشیابی مرکزی" در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش آزمون و پس آزمون

Tests of Between-Subjects Effects

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مرحله/ گروه	میانگین	F	سطح معناداری
Corrected Model	**430.261(a)**	**2**	**پیش آزمون کنترل**	**39.07**	**8.279**	**.002**
Intercept	**127.411**	**1**	**پس آزمون کنترل**	**37.73**	**4.903**	**.035**
خود ارزشیابی مرکزی	**266.928**	**1**	**پیش آزمون آزمایش**	**37.47**	**10.272**	**.003**
گروه	**233.381**	**1**	**پس آزمون آزمایش**	**42.40**	**8.981**	**.006**
خطا	**701.606**	**27**	**جمع**	**39.17**		

در جدول شماره (۷)، نتایج آزمون کوواریانس برای مقایسه میانگین نمره متغیر "خود ارزشیابی مرکزی" در دو گروه آزمایش و کنترل با پیش آزمون و پس آزمون آورده شده است.

در ردیف متغیر خود ارزشیابی مرکزی در پیش آزمون مقدار F تأثیر متغیر در پیش آزمون نشان داده شده است. این مقدار ۱۰,۲۷۲ است، چون سطح معناداری آن (۰/۰۰۳) کوچکتر از ۰/۰۱ است، این شرط همبستگی متغیر همپراش و مستقل رعایت شده است و استفاده از تحلیل کوواریانس صحیح است.

بر طبق مقدار آزمون F (۸,۹۸۱) و با توجه به درجه آزادی ۱=d.f، با قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ (Sig=0/006) و درجه اطمینان بیش از ۰/۹۹ می توان نتیجه گرفت بین این دو گروه از نظر میانگین نمره متغیر خود ارزشیابی مرکزی تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی فرضیه خنثی (H۰) که نشانگر عدم وجود رابطه است را نمی توانیم بپذیریم و رد میکنیم.

نتایج آماره های استخراج شده نشان می دهد نمره متغیر خود ارزشیابی مرکزی در پس آزمون آزمایش به طور محسوسی افزایش یافته است.

۷-۱. بحث و نتیجه گیری

آموزش سبک های فرزندپروری بر خودمشاهده گری مادران تأثیر داد. که این نتیجه با نتایج تحقیقات تام، چانگ، کادیرولو و همکاران(۲۰۱۲) و پاترسون، باریشه و رامسی(۱۹۸۹) و شفیع پور و همکاران(۱۳۹۴) که رابطه مثبت و معناداری را بین خودکارآمدی و سبک فرزندپروری گزارش کرده اند، هم راستاست. همسو با این پژوهش ها، چان و کوهیون و سیاروچی (۲۰۰۸)، سیمونس و کانجر((۲۰۰۷، جینس(۲۰۰۷)، هریس و گودال (۲۰۰۷) و توزنده جانی، توکلی زاده و لگزیان (۱۳۹۰) نیز بر این باورند که سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند منجر به بهبود خودکارآمدی (خوارزشیابی) شود. در تبیین نتایج و برتری شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه نسبت به دو شیوه فرزندپروری سهل- گیرانه و مستبدانه باید گفت که این والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ دهی می‌باشند. آن ها فرزندان خود را به عنوان افرادی با کفایت و موفق می‌بینند و از آن ها مطابق با توانایی شان انتظار دارند که این رویه زمینه را برای خودکارآمدی بالا (خودارزشیابی) فراهم خواهدکرد. همچنین در ارتباط یا خودارزشیابی مرکزی با یافته‌های توربرگ و همکاران ((۲۰۱۱، ژاکل و همکاران (۲۰۱۲) و فورد (۲۰۱۲)، تام و همکاران (۲۰۱۲)، و حسینی (۱۳۹۲) همسو است. در این تحقیقات رابطهٔ مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و خودکارآمدی بالا (خودارزشیابی مرکزی) به دست آمده است. در تبیین یافته ها می‌توان گفت سبک فرزندپروری قاطع باعث افزایش عواملی چون عزت نفس، نظم دهی هیجانی و خودکارآمدی در مادران خواهد شد. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری بر روی شرکت کنندگان در دوره بوده و نشان می‌دهد مطالب ارائه شده درکارگاه آموزشی به صورت محسوس و معناداری میزان خودمشاهده گری (خودارزشیابی مرکزی) را بهبود بخشیده است.

محدودیت ها شامل: ۱- عدم حضور پدران در دروه آموزش سبک های فرزندپروری؛۲- تنها ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه بود که جنبه خودگزارشی دارد؛ ۳- وجود محدودیت مکانی (این تحقیق در شهر تهران صورت گرفته است و نمی تواند نتایج آن به شهرهای دیگر تعمیم داده شود). پیشنهادات پژوهشی: درتحقیقات بعدی، پیشنهاد می شود پژوهشگران به عامل همسان بودن شرکت کنندگان از لحاظ وضعیت اجتماعی- اقتصادی و تفاوت- های فرهنگی و حضور پدران، در دوره آموزش سبک های فرزندپروری، توجه کنند. پیشنهاد کاربردی : پیشنهاد می‌گردد که با برگزاری جلسات آموزشی و برنامه‌هایی مانند ایفای نقش (بازی نقش) توانایی مادران را در بالا بردن میزان خودارزشیابی مرکزی که شامل احترام به خود، بالابردن باور خود نسبت به شایستگی ها، عدم تمرکز بر جنبه های فرعی مسائل و اسناد مناسب شکست ها و موفقیت ها به عوامل درونی و بیرونی است، افزایش دهند که این عامل می‌تواند زمینه ی ارتباط بهتر با فرزندان شان باشد.

فهرست منابع فارسی

۱. اتکینسون ، ریتال .ال و همکاران؛ زمینه روانشناسی ،رفیعی و همکاران ، تهران ، ارجمند،۱۳۸۴، چاپ پنجم،جلد دوم، ص۵۱ و ۵۲.

۲. اسفندیاری، غ . (۱۳۷۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، انستیتو روانپزشکی تهران.

۳. آهنگرانزابی، احد ، پرویز شریفی و رباب فرج زاه (۱۳۹۰). رابطه ی سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر، مجله ی پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، سال اول ، شماره ی ۱ ، پائیز و زمستان ۹۰ : ۱-۸ .

۴. پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم و اله یاری، حمیده. (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسؤلانه در اسلام. مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۱۴، صص ۱۳۸-,۱۱۵

۵. توزنده جانی، حسن و همکاران. (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور. افق دانش؛ فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره ۱۷؛ شماره ۲؛ تابستان ,۱۳۹۰

۶. حسینی نسب، داوود. احمدیان، فاطمه . روان بخش ، محمدحسین.(۱۳۸۴).بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روان. مطالعات تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ۹(۱) ، ۳۶-۲۱.

۷. خانجانی، زینب و محمودزاده، رقیه. (۱۳۹۲). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۵۲-,۳۷

۸. شریعتی، مریم. گروسی فرشی، میرتقی. باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۸۹). کارآیی مدل خودارزشیابی های مرکزی در پیش بینی بهزیستی ذهنی. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی، دوره سوم، شماره ,۴

۹. شکوهی، یکتا، م، و پرند، ا. (۱۳۸۷). سبک فرزندپروری والدین و رابطه آن ها با ویژگی‌های رفتاری وپیشرفت تحصیلی فرزندان. فصلنامه مطالعات جوانان ،۱۴ و ۱۵ ، ۶- ۲۰ .

۱۰. یوسف زاده، ایمان و همکاران (۱۳۹۳). بررسی خودکارآمدی و خوش بینی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و ارتباط آن با سبک فرزندپروری مادران. مجله زن و مطالعات خانواده، ۲۳ (۷)، ۱۲۷-۱۲۴ .

۱۱. هاشمی شیخ شبانی، سیداسماعیل. بشلیده، کیومرث تقیپور، منوچهر. نیسی،عبدالکاظم (۱۳۹۰). بررسی ویژگی های روانسنجی مقیاس خودارزشیابی های مرکزی. پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول